



اختصاص ساعت پخش ثابت مستند از شبکه‌ها

محسن برمهانی، معاون سیما با اعضای جبهه فرهنگی انقلاب شهر مشهد دیدار و گفت‌وگو کرد. به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، معاون سیما در این جلسه گفت: تولید مستند برای ما مهم بوده و ازسوی رئیس رسانه ملی نیز از ما مطالبه شده است. بنا داریم ساعت پخش منظمی برای آثار مستند در شبکه‌ها ایجاد کنیم. وی افزود: ما در صداوسیما نیاز به اصلاح رویه‌هایی داریم و اداره کل فیلمنامه و مرکز سیمرغ تلاش دارند

سازوکارهایی چابک برای ارتباط با کارآولی‌ها و استعدادهای جدید تعریف کنند و به‌کار بگیرند.

سلیم غفوری، قائم‌مقام معاونت سیما نیز در این دیدار خاطرنشان کرد: ما قبول داریم که بالاخره افراد باید اولین تجربه خودشان را تولیدکنند والا امکان ورود استعدادهای جدید فراهم نمی‌شود. موفقیت کار اول موجب می‌شود تا برای کارهای بعدی فضا باز شود و حتی سازمان، پیشنهاد کار بعدی

همیشه دانستن تاریخ جذاب است، به ویژه این‌که وقتی تاریخ در تصویر روایت می‌شود، جذابیتش چندین برابر می‌شود. بنابراین مخاطبانی که دغدغه تاریخ را دارند و علاقه‌مند هستند از دوران مشروطیت بیشتر بدانند، می‌توانند سریال آتش و باد را دنبال کنند؛ سریالی که روایتگر خان‌ها و ظلم‌هایی است که به رعیت می‌کنند. ما در این سریال تصاویر متنوعی از خان‌ها می‌بینیم و گروه سازنده این سریال سعی کرده‌اند همزمان پرداخت‌هایی به فرار و فرودهای تاریخی ایران در عصر مشروطه داشته باشند. همچنین در این سریال تصاویری از زندگی ایلات و عشایر ایران در دوران پیش از مشروطیت به نمایش درمی‌آید. تصویری بدیع بخشی از تاریخ که کمتر به آن پرداخته شده است و در دل آن روایت‌های عاشقانه



فاطمه عودباشی
نوشین دولتی
آرشیو رسانه

سریال آتش و باد با برهه تاریخی قبل از مشروطه شروع کرد. قصه‌های متعددی که در این سریال می‌بینیم در خلال هرکدام فضایی بکر برای مخاطب گشوده می‌شود. سال‌ها بود که فضای زندگی عشایر را در چنین قصه‌ای از این برهه تاریخی ندیده بودیم. می‌شود گفت برای مخاطبان جذاب بود که این فضا را روی آنتن ببینند. چه شد که وارد این برهه تاریخی شدید و چطور شد که قصه را به فضای عشایر بردید؟

عبدالرسول گلبن، نویسنده: کارگردانی داریم که خودش شیفته تاریخ است و تاریخ را به عنوان یک بستر برای بیان حرف‌های بزرگ می‌داند. وقتی می‌خواهیم در مورد آدم‌ها، انگیزه‌ها و اراده‌های بزرگ حرف بزنیم به سمت کسانی می‌رویم که بتوانند این بار معنا را حمل کنند. شخصیت‌های تاریخی به سرعت ما را از سطح روزمرگی جامعه جدا و پاذا انسان، ذات قدرت و ذات جاه‌طلبی‌های بزرگ آشنا می‌کنند. به‌نظرم آقای راغی شیفته این آدم‌ها و این فضااست و به همین دلیل چنین فضایی را انتخاب کرده بود؛ ایشان حکم مرشد را داشتند و ما پیچه‌م شد.

مجتبی راغی، کارگردان: سال‌هاست به تاریخ علاقه دارم. احساسم این بود که اگر مجموعه‌ای باشد که پیش از مشروطیت آغاز شود، به ۲۸ مرداد برسد و این تاریخ را منسجم در یک داستان چندفصل روایت کند، در صورت موفقیت، صاحب یک تحلیل تاریخی موجز و منسجم از تاریخ معاصرش می‌شویم. به همین خاطر کار را شروع کردیم و فصل اول به آنتن رسید.

[۱] قرار است فصل بعدی ساخته شود؟

منصور براهمی، نویسنده: درباره کودتای ۲۸ مرداد و سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ چند بار کار شد ولی همچنان این سوره وجود دارد. ۱۰ قسمت از فصل بعدی هم کامل نوشته شده است. فکر کنم ۱۲-۱۱ سال از زمان طرح فصل اول گذشته و بارها بازنویسی شده بود تا به کار پیوستیم و توانستیم آن را برای تولید برسانیم. پیوند با گذشته تاریخی ما خیلی می‌تواند برای حال و آینده مان درس آموز باشد. این بار پیوند با تاریخ از مشروطیت شروع شد. با این‌که راجع به این برهه‌های تاریخی کارهایی ساختیم اما از این نظر که تاریخ می‌تواند برای حال و آینده‌مان سازنده باشد، می‌شود گفت کم‌کاریم. اگر خود را با کشورهایی مثل کره که تولیدات نمایشی زیادی دارند و برای خود تاریخ‌سازی می‌کنند، مقایسه کنیم، می‌بینیم در این حوزه غفلت کردیم یا کم‌کار بودیم. البته شاید یک دلیلش این باشد که فیلم‌های تاریخی هزینه زیاد و مشکلاتی دارند

اما چون نسل‌ها بی‌دربی می‌آیند باید دائم حافظه تاریخی‌شان را تجدید کنیم. حافظه تاریخ چیزی نیست که با یک سریال حل شود. برای مثال درباره مسلم بن عقیل یک فیلم سینمایی ساخته شد و یک بار که یک طرح جدید پیشنهاد دادیم، گفتند این را کار انجام شده است. نباید چنین باشد. آمریکایی‌ها مکرراً روی واقعه قتل‌کندی کار کردند؛ چون برای‌شان یک ضایعه تاریخی است که باید هر دفعه به یاد بیاورند. در تاریخ معاصرمان



راغی:
خیلی از مسائلی که گفتیم کاملاً مبنای تاریخی دارد؛ مثلاً قتل عام کاملاً مبنای تاریخی دارد اما این که کجا بوده را عوض کردیم. به هر حال خاستگاه حوادث و شخصیت‌ها کاملاً تاریخی است

خیلی از برهه‌ها را داریم که زخم بازند و این زخم باز هنوز به فرهنگ و جامعه ما آزار می‌رساند.
گلبن: جمله‌ای هست که می‌گوید «بیچاره مردمی که از تاریخ گذشته‌شان بی‌خبرند و بیچاره‌تر از آنها مردمی که باخبرند ولی از گذشته عبرت نمی‌گیرند». این حرف که گذشته چراغ راه آینده است درست است. ما دچار یک انقطاع تاریخی شدیم و شاید بسیاری از اتفاقاتی که در گذشته بر سر مردم رفته را دوباره تکرار کنیم. گذشته مآل‌ام از آرمان‌های مدفون شده است. ما یک انقلاب را تجربه کردیم. انقلاب فوران آرمان‌خواهی و نگاه به آینده است. صبح روز ۲۲ بهمن فکر می‌کردیم واقعا قیامت شد؛ یعنی همه چیز نابود شد و دنیایی ساخته می‌شود که تمام آمال‌ها و آرزوهای ما را جواب می‌دهد. این اتفاق در تاریخ ما یک بار اتفاق نیفتاده و در انقلاب مشروطه و نهضت ملی

شدن نفت هم رخ داده است. سخت‌ترین کار رجوع به تاریخ است. تاریخ تعلق خاطر آقای راغی است. وقتی اومی خواهد یک برهه را انتخاب کند، برای مثال مجبور است در مورد تاریخ مشروطیت مطالعه داشته باشد تا بتواند از یک استاد رشته تاریخ در گرایش مشروطه بهتر تحلیل کند و از دل این همه خواتش بزرگ و انباشت اطلاعات، داستان خلق

شود. یک کار آبارتمانی با یک کار تاریخی اصلا قابل مقایسه نیست. هم یک انتخاب بزرگ، هم یک انتخاب مهم و هم یک کار سخت است و از کسانی بر می‌آید که در ذات‌شان آرمان‌خواهی باشد. به نظرم آقای راغی از این حیث خیلی الهام‌بخش است. یعنی به سمت سخت‌ترین دوره، دشوارترین کار و سخت‌ترین اجرا رفتند و به‌نظرم تا اندازه قابل قبولی سر بلند بیرون آمدند. کاری که تلویزیون به ما سفارش داد ساخت یک مکتب آبرومند بود؛ یعنی اندازه‌ای که تلویزیون برایش برآورد هزینه کرد و تدارک دید در این حد بود

انقلاب‌های پس از خود الگو شد. نمی‌توانیم داوری کنیم که انقلاب مشروطه شکست است، البته شکست‌هایی هم دارد. شاید ایرانی‌ها به اهدافی که داشتند نرسیدند؛ اما معنایش این نبود که یک شکست کامل بوده و همه چیز تمام شد. آقای راغی برای پرداختن مابه مشروطیت خیلی سهم داشت. به رغم ضایعاتی که مشروطیت داشت همچنان گرامی و ارزشمند است.
راغی: در ابتدا کتاب خواندم. همچنین با آقای گلبن به شیراز رفیم و جاهایی مثل دشت ارژن را دیدیم که در آنجا درگیری بزرگ بین روس‌ها و ایران رخ داده و صولت‌الدوله آنها را شکست داده و کوهمره سرخی را دیدیم، گفتند مدرسه و قلعه کجا بوده و همسران حبیب‌ا... شهبازی... را در سن‌های بالای ۹۰ دیدیم و مدت‌ها با آنها صحبت کردیم. اگر به یک بچه ۱۵ ساله بگویید زندگی عشایر چگونه است نمی‌تواند چیزی بگوید؛ اما اگر این سریال را دیده باشد می‌تواند ۱۰ دقیقه درباره زندگی عشایر حرف بزند؛ یعنی این سریال مثل یک تحقیق در مورد زندگی عشایر می‌ماند. ظرافت‌ها و جزئیات زیادی در کار است.

[۲] با توجه به این که شخصیت قوام جزو شخصیت‌های واقعی در تاریخ ماست، چند درصد از شخصیت‌های این سریال واقعی بودند و چقدر با توجه به مطالعات شخصیت‌سازی کردید؟

راغی: هر کدام از این شخصیت‌ها گزته برداری از چند شخصیت یا بیشتر دارند. یعنی ممکن است ۱۰ تکه از ۱۰ شخصیت را در قالب یک نفر جمع کنیم. خیلی از مسائلی که گفتیم کاملاً مبنای تاریخی دارد؛ مثلاً قتل عام کاملاً مبنای تاریخی دارد اما این که کجا بوده را عوض کردیم. به هر حال خاستگاه حوادث و شخصیت‌ها کاملاً تاریخی است. قوام مقدار زیادی به شخصیت واقعی نزدیک است، چون اسمش را هم گذاشتیم.

[۳] زمان زیادی درگیر ساخت این سریال بودید و در محل‌های متنوعی تصویربرداری کردید. به‌در نظر گرفتن تاریخی بودن اثر، در زمان ساخت چه چالش‌هایی داشتید.

حسن نجاریان دریانی، تهیه‌کننده: این کار چهار رکن اساسی داشت، اول خداوند که لطف کرد و توانستیم همه مراحلش را بسازیم. بعد همراهی گروه و عوامل که اگر نبود این کار ساخته نمی‌شد؛ چون کار خیلی سخت و پیچیده‌ای بود. بخشی از این دشواری‌ها در کارهای بزرگ طبیعی است. مشکلات مالی، اجرایی، سرما و گرما داشتیم. حدود ۲۷ ماه تصویربرداری زمان برد و چند تابستان و زمستان داشتیم، در کوهستان بودیم و مهم‌تر از همه کرون‌ا که هنوز برخی از عوامل درگیر شدند و بعضی از بازیگران را از دست دادیم که هنوز

را بدهد. در این دیدار اعضای جبهه فرهنگی انقلاب درباره موضوعات مختلفی صحبت کردند. به نقد برخی رویکردها پرداختند و برخی از مدیران تلویزیون به برخی نکات پاسخ دادند. برمهانی، معاون سیما به‌تازگی سفری به شهر مشهد داشت است و در این سفر با رئیس صداوسیما این مرکز، تولیت آستان قدس رضوی، برخی دیگر از مدیران و... دیدار و گفت‌وگو و همچنین از بخش‌هایی بازدید کرد.



در نشست «جام جم» با ساز

بازخوانی تاریخ دور



شدند و برخی‌های‌شان مایل به نیکی کردن، بودند. به ندرت خان‌های خیلی خوب بوده؛ مثلاً در جواهرده کوهپایه اصفهان خانی بوده که برای بچه‌هایش و بچه‌های رعیت‌هایش معلم می‌گرفته و گفته می‌شود تعدادی وکیل خوب در میان بچه‌های رعیت‌های او هست که امروز وکیل‌های مهمی در تهران هستند.

براهیمی: تعبیر نگاه واقع‌بینانه بهتر از این است که بگوییم خواستیم خشونت کسری داشته باشد. مرگ و میر طبعی بوده است. وقتی کوچ می‌کردند، گوسفندان زیادی آب می‌برده، بچه‌ها ساده می‌میرند و ممکن بوده زنی در راه زاریان کند و خود با فرزندش از میان برود. از این جهت آن زمان زندگی‌شان با مرگ کاملاً عجین بوده است. زندگی شهری ما نیست که با بیرون از شهر ساختن قبرستان‌ها سعی داریم مرگ را فراموش کنیم.

[۱] در این جمع همگی جزو پیشکسوتان هستید که حضور بیشتر شما روی آنتن می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. این‌که کبرکارتی‌هایی از سوی برخی پیشکسوتان می‌بینیم ناشی از تمایل خود آنهاست یا می‌شود

افسوس‌شان با ما است؛ مثل آقای کریم اکبری مبارکه که از انسان‌های خیلی خوب، شرافتمند، کاربلد و درجه یک بود. سومین رکن، متن خیلی خوب بود که برای چنین متنی، نیاز بود چنین زحمتی بکشیم. چهارم، همراهی مدیران تلویزیون بود. مشکلات و بالا و پایین داشتیم اما این امکان را فراهم کردند و توانستیم کار را تمام کنیم. در جاهایی خود من یا بعضی از بچه‌ها فکر می‌کردیم کار به پایان نمی‌رسد و به مشکل می‌خور؛ ولی با سعه صدر گروه و مدیران به نتیجه رسیدیم و الآن کار در حال پخش است و امیدوارم مخاطبان از کاری که انجام دادیم راضی باشند تا خستگی از تنمان در بیاید.

[۲] برای ساخت فصل بعدی راندنی شده است؟

نجاریان: بله، صحبت‌های خیلی اولیه انجام شده اما خیلی‌هایش منوط به بازخوردها و تصمیم گروه است. ما دوست داریم با گروه دوباره دور هم جمع شویم، چون از همکاری و همراهی با هم نتیجه بسیار خوبی گرفتیم. امیدواریم بشود. ولی هنوز هیچ چیز معلوم نیست.

[۳] یکی از مضامینی که در قصه می‌بینیم بحث ارباب و رعیت و ظلمی است که به رعیت می‌شده اما در تصویر قدری این تلخی گرفته شده است. یک سری از نشانه‌ها را درباره ظلم خان می‌بینیم. ولی شاید می‌شد تلخ‌تر هم نشان داد. به‌تعمد به دلیل نگاه طیف‌وسیع مخاطبان این تلخی گرفته شده یا این‌که اساساً نگاه متفاوتی به آن دوره دارید؟

براهیمی: یکی از کارهای پهلوی اول، تخته‌قاوی کردن ایلات و عشایر بود. در قسمت‌های اول متوجه می‌شویم تخته‌قاوی کردن و کوچاندن یعنی نابودی همه چیز. در این شرایط وقتی به زندگی ایلات برمی‌گردیم متوجه می‌شویم بخشی از شرایط اجتماعی آنها ناشی از شرایط تولیدشان بوده است. یک خان در عین حال که از او خشونت می‌بینیم، متوجه می‌شویم وقتی کشته شود یا تیر بخورد شیرازه همه چیز از هم می‌پاشد و این به شرایط زندگی‌شان برمی‌گردد. وقتی با دقت به زندگی عشایر نگاه کنیم، درمی‌یابیم که شرایط تولید و زندگی‌شان با شهرنشینی و حتی از لحاظ جنگاوری هم فرق می‌کند. به این قصد نبود که خشونت را کم کنیم و به این قصد بود که خان را واقعا خان ببینیم؛ خان هم زن و بچه دارد و با آنها مانوس و با بعضی‌ها دوست است و با بعضی‌ها هم با خشونت رفتار می‌کند.

راغی: فضاوت صحیح کنیم. این طور نبوده که صبح تاشب خونخواری کنند. گاهی تعریف بچه‌های‌شان از آنها به صورتی بوده که از پدران‌شان قدیسه می‌ساختند که باورش سخت است. یک چیز میانه بوده. برخی‌های‌شان به ظلم گرایش زیادی داشتند و بد عاقبت هم

گرفتن مشاوره از بزرگان موسیقی



فرید سعادت‌مند، هنرمند خوش‌قریحه بزدی، موسیقی را نزد استادان گراندقدری، چون فرهاد فخرالدینی، هوشنگ کامکار، حسین دهلوی، امیر معینی، کامبیز روشن‌روان و لوریس هویان فرا گرفته است. او آهنگساز مجموعه «آتش و باد» است. وی درباره سازهایی که برای ساخت موسیقی این مجموعه استفاده کرده به جام‌جم توضیح می‌دهد: من مانند کارهای گذشته‌ام، جهت ساخت موسیقی این سریال نیز زمان تولید مجموعه سر صحنه فیلمبرداری حاضر شدم تا با فضای کار، رنگ و نور، دکور و طراحی صحنه ارتباط بیشتری بگیرم. وی ادامه می‌دهد: بدیهی است که تمام این عناصر نقش به‌سزایی در شکل‌گیری موسیقی از لحاظ ملودی، هارمونی و سازندگی ارکستر دارد. علاوه بر آن مطالعه فیلمنامه و قسمت‌های مختلف سریال اقلیم و زمان اتفاق درام را بر ما مشخص می‌کند. این مهم نیازمند تحقیق و پژوهش در آن برهه تاریخ بود که در این مسیر از همراهی و مشاوره آقایان، هوشنگ جاوید، کارشناس موسیقی محلی، عباس‌زند (نوازنده)، دامن‌شش پلویکی (محقق) و هدایت رضایی (خواننده) بهره بردم که در نهایت به ارکستری متشکل از سازهای ایرانی و محلی در کنار یک سکشن زهی، بادی، چوبی، بادی-برنجی و مجموعه‌ای از سازهای کوبه‌ای رسیدم.

تجربه زیست با عشایر در کوچ



مهدی فقیه را بیشتر با گویش شیرین شیرازی‌اش که در اغلب فیلم‌ها و سریال‌ها دارد، می‌شناسیم. او سال‌هاست با حضورش در آثار مختلف توانسته برای مخاطبان رسانه‌های ملی خاطره‌سازي کند. از جمله حضورش در سریال‌های نبردی دیگر، هتل، در چشم باد، کت جادویی، نردبام آسمان، شوق پرواز و بیگانه‌ای با من است. او این اواخر در سریال‌های بی‌نشان و آتش سرد هم نقش آفرینی کرد. فقیه مدتی است سریال آتش و باد را روی آنتن شبکه سه دارد که در آن نقش فردی به نام پیروز را بازی کرده است. وی درباره سریال به جام‌جم می‌گوید: مادر فرهنگ عامه عشایر از جریان سیاسی بودن‌شان و نیز ایلاتی زندگی کردن‌شان اطلاعات زیادی نداریم. در اغلب خانه‌ها، فرش دستباف آنها یا گلیم‌هایی که حاصل دست این عزیزان است را داریم یا گوشته‌ای که ما می‌خوریم از دام‌هایی است که عشایر پرورش می‌دهند. با این حال با فرهنگ عامه آنها آشنایی چندانی نداریم و در این زمینه آثار هنری زیادی ساخته نشده است اما این سریال تا حدودی توانسته در این امر موثر باشد.

جدال خان‌ها

سازندگان سریال تلویزیونی «آتش و باد» شاهد جدال خان‌ها با یکدیگر هستند. یکی از ویژگی‌های متمایز این سریال با دیگر آثار تاریخی، قرار دادن شخصیت‌های متفاوت از خان‌ها در قصه است. در سریال‌های دیگر خان‌ها را دیده بودیم اما تعدادشان در این اثر هم زیاد است و هم این‌که با یکدیگر مرتب جدال دارند که همین بهانه‌ای شده تا گره‌های

قصه سریال افزایش یابد و مخاطبان با این موضوع ارتباط برقرار کردند.



کد QR را اسکن کنید

